

با مصوبه اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند آموزش ۲۰۳۰ در دستور کار دولت و وزارت آموزش و پرورش خارج و خطر وجود آمده، موقتاً برطرف شد.
خطر ظلمتی که می‌رفت تا اساس و بنیان تعلیم و تربیت جامعه اسلامی را تحت تاثیر قرار داده و ریل آموزش و پرورش کشور را به سمت اهداف نظام سلطه تغییر دهد و بعد از چهل سال، آینده کشور را با چالش بزرگ وابستگی فکری و فرهنگی روبرو نماید.

بعد از این اقدام چنانچه دستگاه‌های مسئول بخواهند و به وظیفه خود عمل کنند و مراقبت و مواظبت لازم را به عمل آورند، می‌توان خطر را برطرف

شده حساب آورد، در غیر این صورت، نه این مسئله تمام شده و نه از مسائل مشابه می‌توان ایمن و خاطرجمع بود.

روند شکل‌گیری این اتفاق از انگیزه و علاقه برای ارتباط با نهادهای سازمان‌های به ظاهر بین‌المللی در داخل کشور گرفته تا اهداف و برنامه‌های پیدا و پنهان نظام سلطه در تاسیس و فعالیت این قبیل نهادهای و نحوه تنظیم و عرضه اطلاعات مثل سند توسعه پایدار سازمان ملل و معاهدات و بیانیه‌های مرتبط در قالب یونسکو، آپسنکو و… و همچنین اقدامات و عملکرد دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های مسئول مثل آموزش و پرورش، آموزش عالی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی و شخصیت‌های فکری و فرهنگی و سیاسی، رسانه‌ها، جامعه‌‌نخبگان و آحاد مردم، همه و همه تجربه‌ای از زنده به تجارب انقلاب اسلامی افزود که اگر مورد بهره‌برداری قرار گیرد می‌تواند بعنوان سرمایه‌ای گرانسنگ آیندگان را از خطرات مشابه مراقبت و محافظت نماید. تا به این مرحله، شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام نموده هیچ سندی مغایر با سند تحول بنیادین آموزش وپرورش، ملاک عمل نظام تعلیم و تربیت کشور قرار نمی‌گیرد و سند تحول و دیگر اسناد بالادستی مبنای عمل آموزش و پرورش است اما بنابر شواهد و دلایل زیادی نمی‌توان دلخوش به این اعلام بود و از خطر ۲۰۳۰ و امثال آن ایمن و خاطر جمع شد زیرا؛

۱- هنوز بصورت رسمی مصوبه ۹۵/۶۲۵ هیئت دولت لغو و بی‌اثر نگردیده و ابلاغیه‌ها و بخشنامه‌های مرتبط رسماً از دستور کار مجموعه‌های مسئول خارج نشده است.

۲- همان جریان علاقمند و وابسته که سند ۲۰۳۰ را تا به این مرحله جلو برد، هنوز در موقعیت خود باقی است و هیچ شهادتی برای ترد یا برخورد با آنها در اختیار نیست.

۳- برعکس، همین جریان وابسته با وجود موضع‌گیری‌های صریح و آشکار علما و شخصیت‌ها، مخصوصاً موضع عتاب‌گونه رهبری معظم انقلاب، همچنان

با مصوبه اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند آموزش ۲۰۳۰ در دستور کار دولت و وزارت آموزش و پرورش خارج و خطر وجود آمده، موقتاً برطرف

شد.
خطر ظلمتی که می‌رفت تا اساس و بنیان تعلیم و تربیت جامعه اسلامی

را تحت تاثیر قرار داده و ریل آموزش و پرورش کشور را به سمت اهداف نظام سلطه تغییر دهد و بعد از چهل سال، آینده کشور را با چالش بزرگ وابستگی فکری و فرهنگی روبرو نماید.

بعد از این اقدام چنانچه دستگاه‌های مسئول بخواهند و به وظیفه خود عمل کنند و مراقبت و مواظبت لازم را به عمل آورند، می‌توان خطر را برطرف

شده حساب آورد، در غیر این صورت، نه این مسئله تمام شده و نه از مسائل

مشابه می‌توان ایمن و خاطرجمع بود.

تجربه «۲۰۳۰» و چگونگی جلوگیری از تکرار آن

دکتر شعبانعلی رمضانیان*

حرف از اصلاح و تغییر آن به میان می‌آید.

۶- کلی‌گویی و به کار بردن عبارت «مغایر با سند تحول بنیادین» بجای «لغو مصوبه ۲۰۳۰» و بلا تکلیف بودن سند تحول، عملاً هرگونه امکانی برای سواستفاده و بدنام شدن و دیگر اسناد بالادستی مبنای عمل آموزش و اسلامی را فراهم می‌آورد.

۷- دشمن بیرونی و انگیزه دشمنی با نظام اسلامی هم چنان باقی است و خطر نفوذ فکری و فرهنگی در جامعه اسلامی نیز در صدر اهداف و آرزوهای آنها قرار دارد لذا؛ خاطر جمعی و ایمن شدن نهاد تعلیم و تربیت از شر نفوذ دشمن و برنامه‌های سازمان ملل و یونسکو قدری خوش خویی و خامی خواهد بود.

زوربندی را که اسلوان و پایه علم پارکداری است قبول ندارند.

*** واکنش مسئولان نسبت به این مخالفت‌های مستدل چیست؟**

در دولت دهم، به‌طور مستدل با این طرح مخالف کردیم و رئیس‌وقت سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، اطلاعانه در برابر امضای این قرارداد مخالفت کرد اما حالا دوباره به مدد افرادی تحت عنوان کارشناس که کمترین صلاحیتی درباره تصمیم‌گیری برای این منطقه حساس ندارند و می‌گویند خواسته‌های سودجویان را برسته‌بندی کرده و برای امضا در اختیار تصمیم‌گیران قرار دهند، طرح نابودی آشوراده در دست اجرا قرار گرفته است.

سفر اخیر گذشته معصومه ابتکار رئیس سازمان حفاظت

از محیط زیست به استان گلستان و اظهارات اخیر اسماعیل مهاجر، مدیر کل حفاظت محیط زیست استان گلستان، مبنی بر ورود قریبالوقوع طرح طبیعت‌گردی آشوراده به فاز اجرایی، بار دیگر اعتراضات کارشناسان مستقل و فعالان زیست‌محیطی را نسبت به از بین بردن جزیره آشوراده به بهانه اجرای طرح طبیعت‌گردی برانگیخت.در همین زمینه خبرگزاری تسنیم، گفت‌وگویی با مرتضی شریفی، محقق برجسته کشاورزی و منابع طبیعی، مدرس دانشگاه و دانش‌آموخته دکتری‌اش ASTU آمریکا، UBC کانادا و دانشگاه تهران با گرایش طراحی پارک‌های طبیعی



محقق برجسته کشور و دبیرکل ستاد مردمی نجات آشوراده:

که اخیراً به‌عنوان دبیرکل ستاد مردمی نجات آشوراده انتخاب شده انجام داده که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.
*** با به گوش رسیدن زرمزه‌هایی مبنی بر آغاز قریبالوقوع اجرای طرح گردشگری جزیره آشوراده، اعتراضات مخالفان این طرح دوباره اوج گرفته. علت اصلی این مخالفت‌ها چیست؟**

در حالی که آشوراده به‌لحاظ محیط زیستی منطقه‌ای بسیار حساس است که از یک سو خلیج گرگان را به دریای خزر متصل کرده و از سوی دیگر از معدود زیستگاههای فوک خزری، ماهیان خویاری و گونه‌های متعددی از پرندگان مهاجر به شمار می‌رود، اینکه به افرادی که حتی یک واحد درسی در رابطه با طراحی محیط و طبیعت‌گردی نگذراندانند اجازه داده می‌شود برای نابودی این منطقه نسخه پیچندمایه تأسف است.
چالب است اگر فردی بدون داشتن تخصص پزشکی برای فردی نسخه پیچد مجرم شناخته می‌شود چون جان یک انسان را در خطر می‌اندازد. در حالی که جرم افرادی که بدون دانشستن تخصص برای محیط طبیعی نسخه می‌پیچند به‌مراتب بیشتر است چون

حیات یک مجموعه، از انسان گرفته تا گیاه و حیات وحش را به خطر می‌اندازند. متأسفانه کار به جایی رسیده که بعضی از این کارشناس‌نماها به یک تخصص جملی هم اکتفا نکرده و با رافتر می‌گذارند و در امور حیاتی مداخله می‌کنند.
درباره آشوراده هم، یک فرد به‌صورت همزمان به‌عنوان مشاور محیط زیست در کنار زیست، مشاور میراث در گردشگری و مشاور عالی سرمایه‌گذار در جلسه تصمیم‌گیری حضور پیدا می‌کند. آیا خواسته غیرمنطقی است اگر به‌عنوان فقط یک شهروند از تصمیم‌گیران بخواهیم زرمزه تخصصی این به‌اصطلاح اطراحان و تأیید و تصویب کنندگان طرح‌های آشوراده، پارک ملی خیر کرمان، ناهارخوران و غیره را برای عموم شفاف‌سازی کنند؟

*** چرا ستاد مردمی نجات آشوراده با اجرای یک طرح طبیعت‌گردی مخالف است؟**

نمی‌توان منطقه‌ای را که عنوان پناهگاه حیات وحش بر آن نهاده شده به منطقه گردشگری تبدیل کرد. به نظر می‌رسد افرادی که با واژه‌های فنی این علم آشنا هستند به همین خاطر سفسطه و مغفله را جایگزین بحث علمی کرده‌اند.
جزیره آشوراده بخشی از پناهگاه حیات‌وحش میانکاله است و چنان‌چوب تودونی اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت برای پارک‌ها و مناطق حفاظتی شامل این ۱۱ زون است. ۱۰ زون بسیار محدود بوده. ۲۰ درصد حفاظت شده ۳، ۴ زون استفاده گسترده ۴، ۵ زون استفاده متمرکز ۵، ۶ زون فرهنگی –تاریخی ۶، ۷ زون بازسازی ۷، ۸ زون استفاده ویژه ۸، ۹ زون سایر بازدارنده ۹، ۱۰ زون گذرگاهی ۱۰، ۱۱ استفاده‌های علمی – ترویجی ۱۱.
۹ زون استفاده‌های دیگر. هر منطقه حفاظتی برای قرار گرفتن در طبقات IUCN باید حداقل زون‌های لازم را برای تحقق اهداف حفاظت داشته باشد. پناهگاه حیات وحش به‌طور عام زون‌های ۱، ۲،۶،۷،۸،۱۱ را می‌تواند به خود اختصاص دهد.
اگر منطقه‌ای حداقل دو زون ۱۱ و ۱۲ داشته باشد می‌تواند پناهگاه حیات وحش محسوب شود.
همان‌طور که ملاحظه می‌کنید بر اساس معیارهای علمی جهانی ۶ زون دیگر از جمله زون‌های ۳ و ۴ زون تفرج گسترده و زون تفرج متمرکز در پناهگاه حیات وحش به‌طور مواضعیت ندارد.
اما ظاهراً کسانی که یک‌بعدی بر طبل گردشگری در آشوراده می‌کوبند بحث جمعی مرتبط با

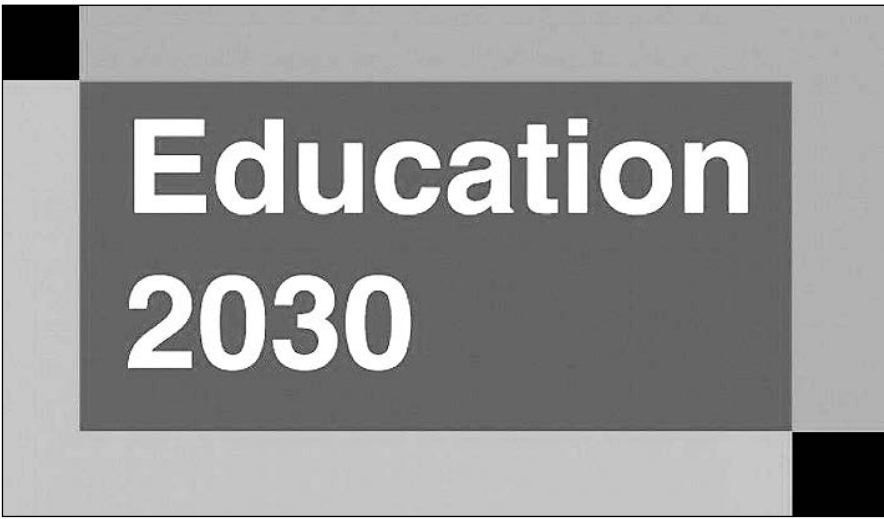
در حال دفاع نظری از اصل سند و مفید فایده دانستن آن برای کشور هستند

و برنظر و عملشان اصرار دارند.

۴- در این مدت نه در شورایی انقلاب فرهنگی، نه در مجلس شورای اسلامی و نه در خود آموزش و پرورش شاهد شکل‌گیری هیچ اقدام سازوکاری برای مراقبت و مواظبت و پیگیری و مقابله با اقدامات مشابه نبوده و نیستیم.
۵- اراده‌ای هم برای پیگیری و اجرای اسسند تحول بنیادین نمی‌بینیم. و بعد از قریب به پنج سال همچنان صحبت از شکل نگرفتن زیر نظام‌های سند و مهیا نبودن زمینه برای تحول بنیادین می‌شود و حتی پیش از اجرا،

چه عواملی باعث شکل‌گیری ۲۰۳۰ شد؟

در تجربه ۲۰۳۰ آنچه که بیش از همه به شکل‌گیری سند کمک کرد دو عنصر «غفلت و خوش‌بینی جریان انقلاب» و «نفوذ و حضور جریان وابسته» در گلوگاه‌ها و مصادر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در داخل کشور بود. این دو عنصر زمینه را برای دیگر عناصر فراهم کرد و یکبار دیگر فرمایش گهریار امیرالمومنین(علی‌ع) ثابت نمود که اگر ما بخوایم، دشمن نمی‌خواهد.دشمن با صل جمهوری اسلامی و با حاکمیت دینی متعالی به نام اسلام بر جامعه، مخالف است. او اسلام را مقابل مصالح و منافع خود می‌بیند و لذا پیشرفت تفکر



اسلامی و تربیت نسل تمدن‌ساز را مانع اهداف خود می‌داند و به هر شکل در پی نفوذ فرهنگی تربیتی در درون این نظام خواهد بود. او تا بتواند سعی در اخلال و انحراف تعلیم و تربیت و به تبع آن انحراف جامعه اسلامی از مسیر اسلام و قرآن خواهد داشت. این قطعی و حتمی خواهد بود مگر آنکه جامعه اسلامی دشمن را از این حوزه (مثل حوزه نظامی) ناامید نماید.

متأسفانه وجود برخی مسئولین غیرانقلابی، عدم خودباوری و اعتماد به نفس، ترس از دشمن، خواب‌رفتنی و غفلت بعضی از خواص، سیاست‌زدگی، سهل‌انگاری و وابستگی‌های فکری و فرهنگی و… بر مشکل نفوذ افزود و تا حدودی دشمن را امیدوار نمود و باعث شد تا سندی مثل ۲۰۳۰ پنهانی و بی‌سروصدا به اجرا در آید.

به‌دنبال ساختوسازهای بسیار به بازار مکاره تبدیل شده است. به سرمایه‌گذاران توصیه می‌کنم اگر انصاف دارند و می‌خواهند سرمایه‌گذاری کنند به‌جای آن که ۲۸۰ هکتار از آشوراده را به کام مرگ ببرند و طبیعت بکر آن را با ساخت قهوه‌خانه و امثالهم نابود کنند، بندتر کم‌تر را به شهری توریستی تبدیل کنند، چرا که در همه جای دنیا برای جذب گردشگر، به‌صورت مصنوعی، تنوع فرهنگی ایجاد می‌کنند. اما ما در بندتر ترک‌من این تنوع فرهنگی را به‌صورت طبیعی داریم، به‌علاوه، روستاهای اطراف، از جاذبه بوم‌گردی قابل توجهی برخوردارند.
بندتر کم‌تر را شهر توریستی کنند، آن متأسفانه وجود برخی مسئولین غیرانقلابی، عدم خودباوری و اعتماد به نفس، ترس از دشمن، خواب‌رفتنی و غفلت بعضی از خواص، سیاست‌زدگی، سهل‌انگاری و وابستگی‌های فکری و فرهنگی و… بر مشکل نفوذ افزود و تا حدودی دشمن را امیدوار نمود و باعث شد تا سندی مثل ۲۰۳۰ پنهانی و بی‌سروصدا به اجرا در آید.

همزمان با فصل ثبت‌نام مدارس، همجون سال‌های گذشته مشکلات خانوادها آغاز شده است و همانند قبل مرزبندی مدارس و دریافت پول، مهمترین مشکلاتی است که مردم را روانه ستادهای ثبت‌نام می‌کند.

به گزارش تسنیم، ثبت‌نام دانش‌آموزان در مدارس عملاً از نیمه‌های خرداد با ثبت‌نام کلاس اولی‌ها آغاز شده است و در تیر ماه با پایان امتحانات و اعلام نتایج، شاهد اوج گرفتن بحث ثبت‌نام دانش‌آموزان در مدارس و مشکلات خانوادها در این رابطه هستیم. صرف‌نظر از تنوع مدارس از تیزهوشان و شاهد تا نمونه دولتی و غیرانتفاعی، بیشترین حجم از مشکلات خانوادها در حوزه ثبت‌نام مربوط به مدارس دولتی است و اگر خانوادهای منطقه محل سکونت خود را تغییر داده باشد مشکل ثبت‌نام فرزندش چندین برابر می‌شود. ثبت‌نام در مدارس غیردولتی نیز حکایت خاص خود را دارد و اغلب خانوادها توانایی تأمین هزینه‌های این مدارس را ندارند و شاهد این موضوع حکایت پدری است که از شهریه ۷ میلیونی ثبت‌نام دخترش در پایه اول ابتدایی یکی از مدارس غیردولتی خبر می‌دهد که همین شهریه بالا موجب انصراف وی از ثبت‌نام شده است.

در این گزارش مشکلات خانوادها برای ثبت‌نام فرزندشان در مدارس دولتی که بیشترین حجم از

ظاهراً بعضی‌ها به دستور حکومتی هم اعتقاد ندارند. مقام معظم رهبری تأکید کرده‌اند که جنگل‌ها را برای گردشگری و حتی برای ساخت مسجد وگذاز نکنید اما آنها همچنان برای ساخت‌وساز در آشوراده و پارک ملی خیر، احداث تله‌کابین در ناهارخوران و نابودی عرصه‌های دیگر محیط زیست تلاش می‌کنند. ارزشمندترین عرصه‌های محیط زیست کشور را که متعلق به تک‌تک هموطنان است نابود می‌کنند و توجهشان این است که برای رفاه مردم و توسعه پایدار تلاش می‌کنند. اما اینجا شهر الیها نیست. می‌دانند و می‌دانیم که ماجرا چیز دیگری است.

سازمان حفاظت محیط زیست فاقد صلاحیت در واگذاری عرصه‌های محیط زیست است. مناطق چهارگانه از سوی سازمان جنگل‌ها و به‌سازمان حفاظت محیط زیست احواله مدیریت می‌شوند، بنابراین تنها مدیریت این مناطق به‌عهده سازمان حفاظت محیط زیست است نه واگذارن آنها. نهادی که در نهایت باید با تبدیل کاربری به‌طور عام و اجباری طرح گردشگری آشوراده به‌طور خاص موافقت کند سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری است و تاکنون دقیقاً مشخص نشده کدام مسئول در این نهاد با اجرای این طرح موافقت کرده که مسئولان محیط زیست، خبر از آغاز قریبالوقوع اجرای این طرح می‌دهند. آیا کاش بایدانند که برانجام روزی قانون حاکم خواهد شد و حتی به سرمایه‌گذارانی که با اجرای غیرقانونی این طرح دچار خسارت می‌شوند هم مدیون خواهند شد.

متأسفانه سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۰ منطقه را برای اجرای طرح گردشگری در نظر گرفته. البته نابودی عرصه‌های محیط زیست تنها به طرح‌های گردشگری محدود نمی‌شود. موافقت سازمان حفاظت محیط زیست با راهاندازی شهرک صنعتی در وسط پارک ملی بمو، نمونه‌ای دیگر از تخریب این عرصه‌هاست. طبق قانون، سازمان حفاظت محیط زیست می‌بایست برای عرصه‌هایی که به‌عنوان مناطق چهارگانه تحت مدیریت می‌گیرد، طرح مدیریتی ارائه بدهد. اما در حال حاضر روی کاغذ بیش از ۷ درصد از عرصه‌های کشور به مناطق چهارگانه تبدیل شده است ولی در عمل مدیریت حفاظتی منکی به زوربندی علمی و مهندسی زون در آنها اعمال نشده است.



ناراضیاتی خانوادها را درفصل ثبت‌نام رقم می‌زند. در همین رابطه پدر یکی از دانش‌آموزان که برای ثبت‌نام فرزندش در منطقه ۱۱ دچار مشکل شده است، می‌گوید: «دو دبیرستان در حوالی خانه ما وجود دارد که هر دوی آنها از ثبت‌نام فرزندم معافیت می‌کنند و مدیر مدرسه «الف» می‌گوید که خانه ما در محدوده خانوادها است و مدیر مدرسه «ب» بپذیر می‌گوید که ما در محدوده مدرسه «الف» است و هم‌اکنون در بلا تکلیفی به سر می‌برم و ثبت‌نام فرزندم برایم به یک دردرس تبدیل شده است.»
مادر دیگری که برای ثبت‌نام فرزندش در منطقه دو مراجعه کرده، عنوان می‌کند: «مدرسه «ف» در نزدیکی محل سکونت ما قرار دارد اما از فرزندم ثبت‌نام نمی‌کند و می‌گویند خارج از محدوده هستیم و مدرسه دیگری را معرفی می‌کند که از خانه ما دورتر است، چگونه دخترم را که کلاس اول است در مدرسه‌های دورتر ثبت‌نام کنم، برای حل مشکل به ستاد ثبت‌نام نزدیکی این جزیره به دست می‌آید.

صفحه ۶

سه‌شنبه ۲۰ تیر ۱۳۹۶

۱۶ شوال ۱۴۳۸ - شماره ۸۱۶۶۸

کنند و هم دشمن باید بفهمد که جدی هستیم و اجازه نفوذ نمی‌دهیم ولی تا این زمان، وظیفه اصلی بر دوش مردم و آحاد دلسوزان انقلاب خواهد بود و مردم به‌خصوص حاضران و فعالان عرصه تعلیم و تربیت، باید بیش از پیش هوشیار و مراقب باشند و اجازه دهند در اثر غفلت مسئولان، به نظام تعلیم و تربیت جامعه خدشه وارد شود و باز همین مردم هستند که باید مسئولان غافل و خواب‌رفته را بیدار کنند و حتی کسانی که قصد همراهی با انقلاب و نظام اسلامی ندارند را از قطار مسئولیت نظام پیاده نمایند.

درست است که با هوشیاری و غافل نبودن مسئولان و دست‌اندرکاران

نظام اسلامی و نایبیدی دشمن می‌توان از کنار گذاشته شدن سند ۲۰۳۰ اطمینان حاصل کرد اما چون در حال حاضر هر دوی آنها (هوشیاری و عمل مسئولانه مسئولان و قطع امید دشمنان) به طور کامل فراهم نیست؛ تنها چاره برای حفظ انقلاب، بیداری، هوشیاری و عمل به وظیفه آحاد مردم به‌ویژه فرهنگیان و دلسوزان عرصه تعلیم و تربیت خواهد بود و فرمان آتش به اختیار اخیر امام‌المسلمین را نیز باید در همین راستا ارزیابی کرد.

این مرحله انقلاب، همان مرحله‌ای است که رهبر معظم انقلاب چند سال پیش از آن به «پیچ تاریخی» تعبیر کردند و فرمودند که کشور و انقلاب در حال عبور از این پیچ است. اگر بتواند به درستی عبور کند، این‌شاءالله آینده انقلاب تضمین است ولی اگر اینجا با مشکل مواجه شود و نسل جوان نتواند حقیقت انقلاب را دریافت کند آسیب‌پذیری آنها زیاد است زیرا نه دوران وابستگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی این کشور را درک کرده‌اند، نه از دوران طاغوت و ظلم‌های آن زمان اطلاع دارند و نه دشمنان را می‌شناسند و از ابزار و شیوه‌ها آن پرهیز می‌کنند.لذا از نظر انقلاب اسلامی این نسل و نسل آینده باید جوری تربیت شود که همه اندوخته‌های فرهنگی اعم از فرهنگ اسلامی و

ارزش‌های پذیرفته‌شده ملی، به درستی به او منتقل شود تا بعد از پیچ تاریخی (که دیگر دست‌رسی به این اندوخته‌ها راحت نیست) بتواند غنی و بی‌نیاز به راه خود ادامه دهد و نظام سلطه نیز، همه تلاشش بر این است که نگذارد این اتفاق بیفتد. لذا او نیز تلاش می‌کند تا ذهن نسل فعلی و آینده را از گذشته پاک کند، دشمن و دشمنی را در نظرش چیز دیگر جلوه دهد غرب و دنیای صنعتی آن را زرو و آسأل او معرفی کند و تقابلس و مخالفت با آن را نوعی انحراف و سرفت معرفی کند و لازمه رشد و تعالی را همراهی و هماهنگی با آن نشان دهد.اینجاست که نباید گذاشت شقی و سعید در نظر مردم چابه‌جا شود و نباید تعلیم و تربیت را به امثال یونسکو و معاهدات بین‌المللی سپرد.

*** مسئول سازمان بسیج فرهنگیان کشور**



خانوادها به پرداخت شهریه در این مدارس اشاره کرد. به ادعای مردم، هیئت امنایی شدن مدارس همان پولی شدن مدارس دولتی است بدون اینکه در جهت ارتقای کیفیت مدارس تلاش شود.

این در شرایطی است که طبق دستورالعمل ثبت‌نام، دریافتت هرگونه وجه نقد، چک حامل یا اخذ هرگونه

مشکلات خانوادها در فصل ثبت‌نام

از هزینه‌های میلیونی تا قوانین دست‌وپاگیر محدوده ثبت‌نام مدارس

تعهد پرداخت وجه در مدارس عادی دولتی و هیئت امنایی در زمان ثبت‌نام ممنوع است.

البته مدیران مدارس معتقدند در دلیل واریز نشدن

سرنانه از سوی آموزش و پرورش ناگزیرند برای تأمین هزینه‌های جاری از خانوادها پول دریافت کنند. به ادعای آنها آموزش‌وپرورش مدارس را به حال خود رها کرده و صرفاً فضای فیزیکی و معلمان را تأمین می‌کند و در بحث هزینه‌ها و مباحث کیفیت بخشی نسبت به مدارس بی‌تفاوت است.

علی زرافشان معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش‌وپرورش در ایین رابطه می‌گوید: «در مدارس دولتی و غیردولتی اگر مبلغی بیش از حد دریافت شود به خانوادها بازگردانه می‌شود و تمام مدرسی که مجاز به دریافت وجه هستند باید مبلغ دریافتی را در تابلو و در اتاق ثبت‌نام نصب کنند و اگر خانوادها برسرش یا ابهامی داشتند از طریق ادارات ارزیابی عملکرد آموزش‌وپرورش آن را پیگیری کنند.»

موضوع دیگری که در بحث مشکلات فصل ثبت‌نام

است می‌کند، نحوه رفتار با ارباب رجوع و خانوادهایی جلوه که به هر دلیل برای حل مشکلاتشان به ستاد ثبت‌نام مراجعه کرده‌اند، هر چند تک‌تیم ارباب رجوع یکی از ضوابط اصلی ثبت‌نام توسط مدارس است اما اغلب خانوادهاهایی که به دلایلی همچون خارج از محدوده بودن یا دریافت پول به ستادهای ثبت‌نام مراجعه می‌کنند از سبوی مدرسه و ستادها جواب مناسبی را دریافت نمی‌کنند و پس از مدت زمانی طولانی صرف وقت و انرژی در مدرسه، ستاد ثبت‌نام منطقه و آموزش وپرورش شهر تهران دستت آخر بدون حل مشکل، بی‌خیال آن می‌شوند.

وضع قوانین دست‌وپاگیر همچون مرزبندی مدارس و عدم انعطاف مدیران مدارس و ستادهای ثبت‌نام در این رابطه برای همکاری کردن با خانوادها مهمترین چالش فصل ثبت‌نام است که باستان هر سال شاهد تکرار آن هستیم و مسئولان آموزش‌وپرورش نیز چاره‌اندیشی جدی برای حل این مشکل نداشته‌اند حتی همین مسئله ثبت‌نام چک سه میلیون تومانی از ما درخواست کرده‌اند و درحالی‌که برنامه خاصی هم ندارند، به ستاد ثبت‌نام شهر تهران آمده‌ام تا شاید مشکلم را حل کنند و تخفیفی به ما بدهند.»

طبق گفته‌های مادری که فرزندش در دبستانی در منطقه ۱۵ شهر تهران تحصیل می‌کند، مدرسه در شرایطی که هنوز سال تحصیلی جدید شروع نشده به آنها اعلام کرده است باید برای سال تحصیلی جدید ۲۰۰ هزار تومان به مدرسه کمک کنند و در سال تحصیلی جاری نیز اگر خانوادهای کمک‌های مردمی خود را با مدرسه تسویه نمی‌کرد کارنامه دانش‌آموز را نمی‌دادند.

تبدیل مدارس دولتی به هیئت امنایی
در همین رابطه می‌توان به کم شدن تعداد مدارس دولتی و تبدیل آنها به مدارس هیئت امنایی و اجبار

کمترا از سوی مسئولان آموزش وپرورش شنیده می‌شود.